

تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار (مطالعه موردی: مازندران)

زهرا نادی*، محسن بهشتی سرشت، ذکرا الله محمدی، باقر علی عادل‌فر

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین؛ دانشیار گروه تاریخ، همکار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء؛ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۷/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۶/۰۶/۲۵)

The Impact of Agricultural Commercialization on the Land Ownership System in the Qajar Period (Case Study: Mazandaran)

Zahra nadi, Mohsen Beheshtiseresht, Zekrollah Mohammadi, Bagherali Adelfar

Ph.D student of Iran after Islam, Imam Khomeini International University of Qazvin;
Associate Professor, History Department, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution; Associate Professor, History Department, Alzahra University;
Associate Professor, History Department, Imam Khomeini International University of Qazvin

Received: (2016.09.24)

Accepted: (2017.09/16)

Abstract

The growth of capitalism in Iran and the dependence on the world market in the nineteenth century led to various spheres of economic and social in country influenced by the developments of the West and the global system during this period. This dependency also changed the agricultural sector as well and led to the growth of commercial agriculture. In this research, It has been tried to use the descriptive-analytical method and relying on the theory of dependent development and the use of archival documents, to be answered to this question that What is the effect of growing commercial agriculture on land ownership system in Mazandaran?

After reviewing and analyzing data and documents, this result was obtained that the growth of commercial agriculture has led to the importance of land and land management profitability and the cultivation of monetary products in nineteenth-century in Iran. This led to the tendency of the non-temperate classes of society, including traders, government officials and even foreigners to own land and agriculture. These people joined to the landowner class of the community to purchasing multiple lands and provided the ground for the expansion of private property and the master's relationship. The growing need for arable land and the desire to expand personal property, led to some action to lease land and even capture forcible of farmers' lands and minor owners of local that this issue, as the new landlord develops in Mazandaran, led to the landless many native farmers.

Keywords: Dependent development theory, Commercial farming, land ownership, Mazandaran, Qajar Period.

چکیده

رشد سرمایه‌داری در ایران و وابستگی به بازار جهانی در قرن نوزدهم سبب شد تا حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور در این دوره تا حدودی متأثر از تحولات غرب و نظام جهانی باشد. این وابستگی بخش کشاورزی را نیز دستخوش تغییر کرد و به رشد کشاورزی تجاری منجر شد. در این پژوهش تلاش شده تا با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه توسعه وابسته و بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، به این پرسش پاسخ داده شود که رشد کشاورزی تجاری چه تأثیری بر نظام مالکیت زمین در مازندران داشته است؟

پس از بررسی و تحلیل داده‌ها و اسناد، این نتیجه حاصل شد که رشد کشاورزی تجاری در ایران قرن نوزدهم سبب اهمیت یافتن زمین و سودآوری زمین‌داری و زراعت فرآورده‌های پولی شد. این مسئله موجب گرایش طبقات غیرزمین‌دار جامعه، اعم از تاجران و دولتمردان و حتی اتباع خارجی به تملک زمین و کشاورزی گردید. این افراد با خریداری اراضی متعدد، به طبقه ملاک جامعه پیوستند و زمینه گسترش مالکیت خصوصی و مناسبات اربابی را فراهم آوردند. نیاز روزافزون به زمین‌های زراعی و تمایل به گسترش املاک شخصی، سبب شد تا عده‌ای به اجاره اراضی و حتی تصرف عدوانی زمین‌های کشاورزان و خرده‌مالکان محلی اقدام نمایند که این امر ضمن گسترش طبقه زمین‌دار جدید در مازندران، به بی‌زمین شدن بسیاری از کشاورزان بومی انجامید.

کلیدواژه‌ها: نظریه توسعه وابسته، کشاورزی تجاری، مالکیت زمین، مازندران، دوره قاجار.

*Corresponding Author: nadi.zahra90@gmail.com
mbehstiseresht@yahoo
Ze.Mohammadi@Alzahra.ac.ir
badelfar@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

مسائل پرداخته‌اند. برای نمونه کتاب *مقاومت شکننده* از جان فوران که با استفاده از چند تئوری همانند نظریه توسعه وابسته، نظام جهانی، شیوه تولید به بررسی تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب ۱۳۵۷ش پرداخته، اطلاعات ارزنده و مفیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد، اما در باب تحول نظام مالکیت زمین اطلاعات مهمی ندارد. کتاب *اقتصاد ایران در دوره قاجار* از چارلز عیسوی، مقاله «رشد کشاورزی تجاری» از نوشیروانی و *زندگی روستاییان در دوره قاجار* از عبدالله‌یف نیز مطالب بسیاری با استفاده از داده‌های آماری از رشد کشاورزی تجاری، انواع زمین‌داری، بهره مالکانه و وضعیت دهقانان را در اختیار ما قرار داده‌اند، اما به‌طور تخصصی به بررسی وضعیت زمین‌داری در مازندران پرداخته‌اند. همچنین مقاله «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران» از محمدعلی کاظم‌بیگی که به طور تخصصی مازندران را مورد بحث قرار داده و به بررسی وضعیت مالیاتی اراضی خالصه و تیول‌ها پرداخته، اشاره‌ای به تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت نداشته است. در این مقاله با استفاده از اسناد آرشیوی کتابخانه ملی ایران و اسناد منتشر شده، همچنین با تکیه بر نظریه توسعه وابسته، ضمن بهره‌گیری از این آثار، تلاش شده که تأثیر رشد کشاورزی تجاری بر نظام مالکیت زمین در مازندران بررسی و واکاوی گردد.

۳. نظریه توسعه وابسته

توسعه مفهومی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و ظهور ملل تازه استقلال یافته و مسائل آنان رواج یافت. توسعه به معنای عام،

حکومت قاجار در قرن نوزدهم، با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمین‌داری زمان صفویه شد. در این دوره، انواع مالکیت زمین عبارت بود از: ۱. اراضی خالصه یا اراضی دولتی؛ ۲. اراضی اشراف و نجبا، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل؛ ۳. اراضی موقوفه؛ ۴. املاک عمده مالکی؛ ۵. اراضی خرده مالکان. در مازندران طبق گزارش ملگونف^۱، بیشتر روستاها تحت مالکیت شاه بودند و گاهی توسط دولت اجاره داده می‌شدند. به عبارتی دیگر، زمین‌های خالصه به تیول داده می‌شدند و هر کس سرمایه کافی برای اجاره کردن روستا داشت، می‌توانست ارباب شود. در آن صورت «ارباب روستا را ملک و سکنه آن را رعایای خود محسوب می‌داشت که طبق سنت مجبورند برای او کار کنند» (ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۵۴). ورود و رشد سرمایه‌داری سبب وابستگی ایران به بازار جهانی و در نتیجه رشد کشاورزی تجاری گردید و این امر نظام مالکیت زمین در مازندران را تحت تأثیر خود قرار داد.

۲. پیشینه پژوهش

در بحث پیشینه پژوهش بایستی گفت که تاکنون تحقیق مستقلی در مورد تأثیر رشد کشاورزی تجاری بر نظام زمین‌داری مازندران ارائه نشده است. کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره وضعیت روستاییان، زمین‌داری، کشاورزی تجاری در دوره قاجار نگاشته شده و هر کدام از دیدگاه خاصی به بررسی این

نشان‌دهنده يك حالت است، يعنى شرايطى كه جامعه، به‌طور كيفى و همه‌جانبه، از امكانات كمى خویش در جهت آرمانى كه براى خودش قائل است، استفاده مى‌نماید (عباسى، ۱۳۸۳: ۲۶). از مهم‌ترين مباحث توسعه، تلاش براى ترسيم الگويى است كه بتواند وقوع توسعه اقتصادى را در برخى از جوامع توضيح دهد و ريشه‌هاى توسعه‌نيافتگى را آشكار سازد. در واقع توسعه‌نيافتگى يعنى وضعيتى كه به دليل عدم هماهنگى بين عوامل اقتصادى و تكنولوژى كاربرى، امكان استفاده از سرمايه و نيروى كار در جامعه ميسر نيست (فورتادو و گوندر فرانك، ۱۳۶۶: ۱۴۱). زمانى كه جامعه‌شناسى توجه خود را به مسئله توسعه و توسعه‌نيافتگى معطوف كرد، بسيارى از محققان فرض‌شان بر اين بود كه ملت‌هاى جديد بايد همان راه كشورهاي اروپاي غربى را طى كنند. از اين رو نظريه‌هاى كه در باب تبين مرحله گذر از پيشا سرمايه‌دارى به سرمايه‌دارى و يا تبديل جامعه سنتى به مدرن در كشورهاي اروپاي اشاعه يافته بود، توسط محققان با اصلاحات مختصرى براى مطالعه كشورهاي افريقايى، آسيايى و آمريكاي لاتين عرضه شد (ازكيا، ۱۳۷۰: ۳۴). در مباحث تئوريك مربوط به اقتصاد توسعه، به‌طور عمده با دو نوع تئورى برخورد مى‌كنيم:

الف) نظريه نوسازى: نظريه‌هاى كه پديده توسعه و توسعه‌نيافتگى را تنها با عملکرد عوامل درونى جامعه و ساختارهاي داخلى مانند فرهنگ، اقتصاد و... تبين مى‌كنند.

ب) نظريه وابستگى: نظريه‌هاى كه پديده توسعه و توسعه‌نيافتگى را با عملکرد عوامل خارجى و با تأكيد بر استعمار و وابستگى توضيح مى‌دهند.

از لحاظ تاريخى، بعد از شكست تئوري‌هاى مدرنيزاسيون كه مدعى امكان توسعه و رفع فقر، گرسنگى و نارسايى‌هاى بهداشتى و... در كشورهاي كمتر توسعه‌يافته بودند و همچنين شكست برنامه‌هاى كميسيون اقتصادى سازمان ملل براى كشورهاي آمريكاي لاتين در دهه شصت ميلادى، مكتب وابستگى ظهور كرد (عباسى، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸). ديدگاه وابستگى با وجود تنوع برداشت، نحوه ارتباط كشورهاي سرمايه‌دارى و جهان سوم را مورد توجه قرار داده است. در اين ديدگاه دلایل اصلى عقب‌ماندگى و توسعه‌نيافتگى جهان سوم به ساختار نظام سرمايه‌دارى ارتباط داده شده است؛ بدین معنی كه توسعه نظام سرمايه‌دارى موجب توسعه‌نيافتگى كشورهايى مى‌شود كه در مرحله پيش سرمايه‌دارى قرار دارند (آزاد ارمكى، ۱۳۸۰: ۲۷). براساس اين نظريه، عوامل توسعه و توسعه‌نيافتگى در سيستم داخلى خلاصه نمى‌شود و شكاف عميق موجود در جهان را بايد در عوامل برون مرزى و جهانى، چون استعمار و استثمار جستجو كرد. زيرا با ورود استعمار، روند طبيعى توسعه جهان قطع شد و استثمار جهان را به دو قطب توسعه‌يافته و عقب‌مانده تبديل كرد؛ بنابراین مسئله توسعه و توسعه‌نيافتگى هر دو با هم پيدا شدند و لازم ملزوم يكدیگرند (عباسى، ۱۳۸۳: ۳۳).

پژوهشگران علوم اجتماعى آمريكاي لاتين در نيمه‌ها و اواخر دهه ۱۳۴۰ش / ۱۹۶۰م به بسط نظريه

کاردوسو با تلاش نظری و تجربی، رویکرد وابستگی را وارد فاز جدیدی کرد که از آن تحت عنوان وابستگی جدید یاد می‌شود. بدین ترتیب، به‌رغم مکتب سنتی وابستگی که روند توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم را یک‌طرفه در نظر می‌گرفت، کاردوسو استدلال می‌کند که این احتمال وجود دارد که توسعه وابسته یعنی «هم توسعه و هم وابستگی» را در کنار یکدیگر داشته باشیم (سو، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

۴. رشد کشاورزی تجاری در مازندران

پیش از ورود به بحث اصلی، ضروری است به آغاز و رشد کشاورزی تجاری در ایران اشاره مختصری شود تا این‌گونه فرآیند وابستگی ایران به نظام جهانی در قالب نظریه مطرح شده ملموس‌تر گردد. توسعه اقتصاد بین‌المللی بعد از ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م، تحولات عمده‌ای در اقتصاد داخلی بسیاری از کشورها ایجاد کرد و ایران نیز از این امر مستثنی نبود. به علت پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل، گشوده شدن کانال سوئز در سال ۱۲۸۶ق/ ۱۸۶۹م، تأسیس راه آهن و غیره، تجارت ایران وارد رقابت‌های بین‌المللی شد (McDaniel, 1971: 37). با نفوذ سرمایه خارجی در ایران، مقدمات رشد سرمایه‌داری وابسته و نابودی شیوه تولید پیشاسرمایه‌داری تسریع گردید (بدیع تبریزی، ۱۳۶۰: ۱۵). تحت چنین شرایطی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران با تمام تلاش‌ها و مقاومت‌ها به مدار نظام سرمایه‌داری جذب و سرنوشت آن با رشته‌های متعدد به بازار جهانی وابسته شد (وطن‌خواه، ۱۳۸۰: ۲۶۵). بدین ترتیب، با توجه به

توسعه‌نیافتگی پرداختند. از مهم‌ترین چهره‌های بنیان‌گذار نظریه توسعه‌نیافتگی، کاردوسو^۱، نویسنده کتاب *وابستگی و توسعه در امریکای لاتین*، را باید نام برد. جان فوران به نقل از کاردوسو تعریف مقدماتی وی از وابستگی که بر محدوده‌های توسعه تأکید دارد، را این‌گونه بیان می‌کند:

از دیدگاه اقتصادی، نظام هنگامی وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند عنصر پویای لازم و اساسی خود را در درون نظام بیابد (فوران، ۱۳۸۹: ۲۳).

در این تعریف به یک نظام اقتصادی بین‌المللی اشاره می‌شود که در چارچوب آن ملت‌های مختلف، مواضعی را در سطوح متفاوت و نفوذ اشغال می‌کنند. در مرکز، کشورهای صنعتی پیشرفته، بازیگران کلیدی تکنولوژی و مالی را کنترل می‌کنند و با این امتیاز، به صورت‌های خاصی، صنعتی شدن مناطق حاشیه‌ای را شکل می‌دهند. توسعه در چنان شرایطی ناممکن نیست و از طریق افزایش دادوستد، ازدیاد تولید ناخالص ملی و صنعتی شدن ممکن است در کشورهای جهان سوم رشد اقتصادی روی دهد. این دستاوردها معمولاً با پیامدهایی منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسائل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش، کمبود مسکن و مانند اینها همراه می‌شود. از این جهت این‌گونه توسعه، «توسعه وابسته» نامیده می‌شود که به معنای رشد در درون محدوده‌ها، پیشرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج و حرمان اکثریت می‌باشد (همان: ۲۳-۲۴).

1. Cardoso

نواحی شمالی ایران از سوی روسیه و کشت خشخاش برای تهیه تریاک در نواحی جنوبی و در استان خراسان از سوی انگلستان حمایت می‌شد (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۸۲).

مازندران یا طبرستان، قطعه وسیع و زرخیزی از شمال ایران است که، از نظر اوضاع طبیعی و جغرافیایی، نسبت به سایر قطعات کشور موقعیت جداگانه و ممتازی دارد. مازندران در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه، واقع شده و در دوره قاجاریه، طبق گزارش رابینو، «حداً غربی آن در مغرب، سرخانی رود و شرق آن محدود به جرکلباد و شاه‌کوه» بود (رابینو، ۱۳۴۱: ۶۴). این خطه، به دلیل آب و هوا و خاک مناسب، بارندگی فراوان و منابع آبی کافی، قابلیت فراوان برای کشت محصولات مانند پنبه، برنج، نیشکر، ابریشم، کتان، کنف، باقلا، گندم، جو، خربزه، هندوانه و کدو را داشت (همان: ۳۴). بنا بر ادعای فریزر^۱ «رشد و تکثیر محصولات در مازندران اتفاقی و اکتسابی است» (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۵۳) و از سوی دهقانان و کشاورزان اهتمام چندانی برای آبادی و نگهداری کشتزارها صورت نمی‌گیرد (ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۴).

با تجاری شدن کشاورزی، بسیاری از کشاورزان مازندرانی به کشت محصولات پولی پرداختند و بدین ترتیب بسیاری از اراضی زراعی، با توجه به نیاز بازار جهانی، به کشت فرآورده‌های کشاورزی پولی اختصاص یافتند. برای نمونه، تولید ابریشم در طی سال‌های مدیدی کالای صادراتی مازندران

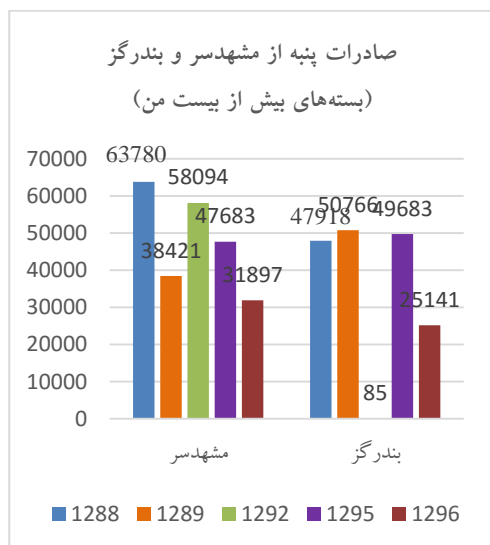
نظریه توسعه وابسته، می‌توان تحول ایران در دوره قاجار را تحولی وابسته دانست، زیرا از خارج شکل گرفت و از نظر شکل و دامنه، محدودیت‌های زیادی داشت (فوران، ۱۳۸۹: ۱۷۰). پس از استقرار مشروطه نیز، سیر وابستگی ایران به بازار جهانی و تسلط کالایی استعمار سرمایه‌داری بر ایران همچنان ادامه یافت (رواسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵) و دوره بعد از مشروطیت را نیز، توسعه اقتصاد سرمایه‌داری وابسته تفسیر می‌کنند که به صورتی فزاینده، با مقتضیات انباشت سرمایه‌داری در کشورهای امپریالیستی غرب، انطباق داشت (ولی، ۱۳۸۰: ۲۵).

براساس نظریه توسعه وابسته، یکی از نتایج رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران، تجاری شدن کشاورزی و تبدیل این کشور به بازار فروش کالاهای صنعتی اروپای غربی - به ویژه انگلستان - از سویی و تأمین کننده مواد خام و مواد غذایی آنها از سوی دیگر بود. از آنجایی که تأمین کالاهای مورد نیاز بازار جهانی برای زمین‌داران و تولیدکنندگان سود بسیاری داشت و نیز سبب فزونی قدرت سیاسی و تحکیم موقعیت اجتماعی آنان می‌گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۴)؛ بسیاری از مالکان و زمین‌داران، زمین‌های زیر کشت غلات را به تولید محصولات مانند پنبه، برنج، خشخاش و توتون که فروش خوبی در بازار جهانی داشت، اختصاص دادند (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۶). سودآوری فراوان محصولات پولی، سبب توسعه کشت برخی محصولات خاص گردید و حتی تولید و توسعه کشت برخی از محصولات از سوی کشورهای بیگانه تشویق گردید، برای نمونه کشت پنبه در

شدند (رابینو، ۱۳۴۱: ۱۱۳). با شروع جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۵م و افزایش قیمت قند در ایران، زمینه کشت و صدور نیشکر مجدداً فراهم شد و بسیاری از نیشکرکاران که زمین‌های خود را به کشت پنبه اختصاص داده بودند، مجدداً به زراعت نیشکر پرداختند و کشت آن در نزدیکی کوهپایه‌ها و عمدتاً در حوالی ساری و بارفروش در طی سال ۱۳۳۸ق/ ۱۹۲۰م متداول گردید (کاظم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۱۱). این امر نشان می‌دهد که نیازهای بازار جهانی تا چه حد بر نوع کشت مزارع تأثیر داشته است.

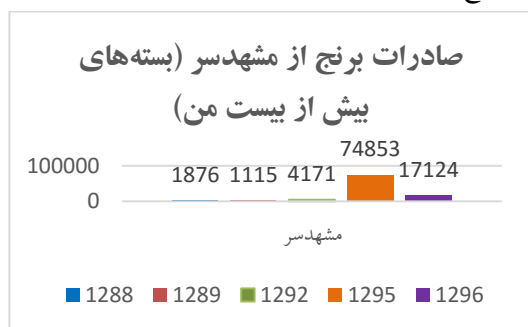
در این دوره، برنج نیز به عنوان کالای کشاورزی تجاری مورد توجه کشاورزان مازندرانی قرار گرفت. برنج مهم‌ترین محصول کشاورزی مازندران بود و این محصول به آستراخان یا حاجی ترخان، باکو، تهران و قزوین نیز صادر می‌شد (مکنزی، ۱۳۵۹: ۵۳). رونق تولید برنج در مازندران مانند سایر محصولات مدیون هم‌جواری با شوروی بود؛ زیرا مهم‌ترین شریک تجاری مازندران در این دوره، کشور روسیه بود. شرایط اقلیمی مازندران به گونه‌ای بود که حتی بازرگانان خارجی به کشت محصولات کشورهای خود در این منطقه ترغیب شدند. رابینو به حضور بازرگانان یونانی اشاره می‌کند که به ترویج بسیاری از نباتات ناحیه اودسا و از جمله کشت بوته‌های تنباکو و تهیه توتون اشتغال داشتند (طاهری، ۱۳۴۷: ۶۵). بدین ترتیب در طول سال‌های ۱۲۸۶-۱۳۱۷ق. / ۱۸۷۰-۱۹۰۰م. یک دگرگونی و جابه‌جایی در محصولات پولی

و به‌ویژه گیلان بود. اما شیوع طاعون سبب شد تا بخش مهمی از تجارت بارفروش (بابل) به گیلان منتقل و موقعیت گیلان بر مازندران برتری یابد و کشتی‌های روسی به جای مشهدسر (بابلسر) در بندر انزلی لنگر ببندازند (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۳۷-۵۳۸). با انتقال تجارت ابریشم از مازندران به گیلان و بروز آفت کرم ابریشم، تولید و تجارت این محصول با آفت مواجه شد، اما در همین برهه جانشین مناسبی برای ابریشم پیدا شد. با وقوع جنگ‌های انفصال در آمریکا و توقف صادرات پنبه به اروپا، کشت این محصول توسعه یافت به طوری که خسارت آفت صادرات سایر محصولات را نیز جبران کرد (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۳۷). آنچه که باعث شد تولید پنبه جهت‌گیری صادراتی خود را حفظ کند، تداوم تقاضا برای پنبه ایران از سوی روسیه بود. طبق آماري که جمالزاده نیز ارائه می‌دهد حدود ۹۸/۵ درصد صادرات پنبه ایران به روسیه و باقی‌مانده به هند و عثمانی بود (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۷). سودآوری کشت و صادرات پنبه، سبب گشت تا از سویی تاجران روسی و ایرانی با اعطای کمک مالی و بذری پنبه، کشاورزان مازندرانی را به کشت این محصول تشویق کنند (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۰) و از سوی دیگر، در سال ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۵م، نیشکرکاران مازندرانی که به دلیل واردات قند و شکر از روسیه، درآمد خود را از دست داده بودند، به کشت پنبه روی آوردند (کاظم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۰۹). حتی بسیاری از ساکنان بین بندرگز و استرآباد که در پرورش اسب فعالیت داشتند، اسب‌های خود را فروختند و به پنبه‌کاری مشغول



جدول شماره ۲

(منبع: احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ ش تا ۱۲۹۶ ش)



جدول شماره ۳

(منبع: احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ ش.)

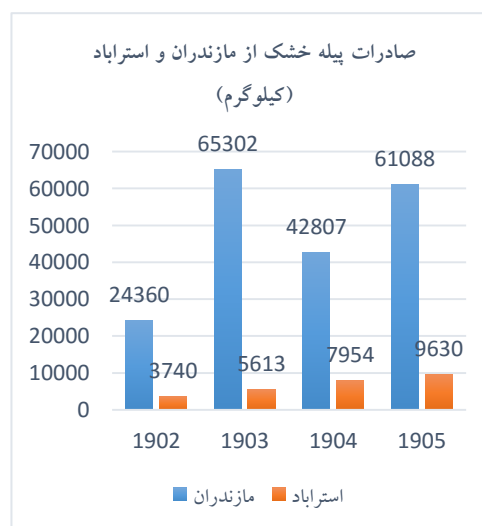
۵. رشد مالکیت خصوصی در مازندران

با تجاری شدن کشاورزی و نیاز به اراضی زراعی بیشتر، زمین ارزش بیشتری پیدا کرد و به دنبال آن گرایش به زمین‌داری و تملک اراضی فزون‌ی یافت. در نتیجه اکثر مالکان و سرمایه‌داران با خرید روزافزون اراضی مزروعی در جهت نیل به این هدف گام برداشتند و بدین طریق روز به روز بر قلمرو مالکیت خود افزودند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۲). به جز مالکان عمده و خرده مالکان بومی مازندران، بسیاری از تاجران بومی نیز به سرمایه‌گذاری و خرید زمین علاقه نشان دادند. اسناد به جای مانده

صادراتی پدید آمد و به گفته نوشیروانی در سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۰-۱۹۱۰م:

دیگر نمی‌توانیم کشاورزی ایران را کشاورزی معیشتی قلمداد کنیم. در این دوره کشاورزی به خوبی در اقتصاد کشور ادغام گشته و روابط بازرگانی گسترش چشمگیری پیدا کرده بود» وی همچنین یادآوری می‌کند که با این وجود «بسیاری از ویژگی‌های کشاورزی معیشتی باقی مانده است (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۸).

بازکاو روابط بازرگانی خارجی ایران نیز در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، گواه افزایش وابستگی اقتصاد کشور به کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری و تبدیل ایران به زائده کشاورزی و مواد خام آنهاست (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۴۵). نمودارهای زیر وضعیت صادرات پنبه ابریشم، پنبه و برنج مازندران را در طی سال‌های مختلف نشان می‌دهند:



جدول شماره ۱

(منبع: مجله فلاحت و تجارت، سال دوم، شماره ۹، ۱۲۹۸: ۳۲۷)

بررسی آن پرداخته می‌شود، درصدد گسترش املاک و زمین‌های شخصی خود باشند که این امر به گسترش مالکیت خصوصی در مازندران منجر گردید.

الف) تصرف عدوانی اراضی

تجاوز و تصرف عدوانی اراضی و املاک دیگران به بهانه‌های مختلف، یکی از راه‌های گسترش مایملک توسط اشخاص دارای قدرت مالی و اجتماعی بود. متنفذان محلی و خاندان‌های سرشناس مازندرانی یکی از گروه‌هایی بودند که با تکیه بر جایگاه اقتصادی و اجتماعی خود به تجاوز در املاک عمومی و خالصجات و تیول‌ها پرداخته و آنها را تصرف می‌کردند. امیرمؤید به خاندان‌های موروثی و قدیمی مازندران تعلق نداشت و در زمان انتصابش به عنوان فرمانده فوج سوادکوه، زمینی در آنجا نداشت و اکثر زمین‌ها در دست خوانین موروثی مازندران بود (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). تبدیل وی به بزرگ مالک مازندران، نشان می‌دهد که وی پس از گرفتن پست نظامی در این منطقه به خریداری و غصب زمین‌ها پرداخته و به زمین‌دار بزرگ منطقه تبدیل شده است. بنا بر آنچه که در اسناد نیز بازتاب یافته است، فرزندان امیرمؤید سوادکوهی در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م با استنکاف از پرداخت مالیات، خالصجات سوادکوه را تصرف و بر املاک خود افزودند (ساکما، سند شماره ۲۴۹۳/۲۹۳). همچنین در ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق/ ۱۶ فوریه ۱۹۱۹م طبق گزارش لطفعلی‌خان کلبادی سردار جلیل، امیرمؤید و پسرانش بلوکات سوادکوه، شیرگاه، بابل‌کنار،

حاکی از آن است که برخی از تجار، با انعقاد مصالحه‌نامه‌هایی، تعدادی از روستاهای مازندران را خریداری و کشت و صدور محصولات را تحت نظارت خود قرار دادند. براساس آنچه در اسناد بازتاب یافته است، در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۶م عبدالحمیدخان فرزند آقامحمدخان تاجر، طبق قراردادی، بخشی از روستای نجارکلا واقع در بلوک کیاکلا در بارفروش (بابل) مازندران را از دختر آقا میرزا ربیع مستوفی علی‌آبادی مازندرانی خریداری کرد (ساکما، سند شماره ۲۲۸۱۲/۲۹۶). حتی کارمندان و افسران روسی مقیم ایران نیز در معامله املاک و اراضی بزرگ مشارکت داشتند. از جمله اینها می‌توان به ژنرال پوتاپوف^۱ اشاره کرد که در سال ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۲م قطعه ملک بزرگی را در استرآباد (عبدالله‌یف، ۱۳۶۱: ۲۴۷) و ژنرال آنتونویچ^۲ املاکی در اشرف (بهشهر) (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰) خریداری کردند. با حضور مالکان جدید نظام مالکیت در این دوره دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد، اگرچه انواع اساسی زمین‌داری تغییر چندانی نکرد، اما درصد زمینی که هر بخش کنترل می‌نمود، تغییر یافت. بارزترین تحول، گسترش میزان املاک خصوصی بود (فوران، ۱۳۸۹: ۱۸۸). نیاز به اراضی بیشتر برای کشت گسترده محصولات پولی و کسب سود، سبب شد تا عده‌ای با توسل به روش‌های غیرقانونی همانند تصرف عدوانی و یا اجاره کردن اراضی عمومی، املاک خالصه و تیول‌ها و در نهایت تملک آنها که در ادامه به

1. Potapov

2. Antonovich

محمدخان مصباح لشكر، املاك متعلق به محمداسماعيل خان صارم الممالك (سرتيپ فوج دو دانشگاه) در سارى را به تصرف خود درآورد. اين امر سبب شد همسر اسماعيل خان از وي به وزارت عدليه سارى شكايه كند (ساكما، سند شماره ۲۹۸/۸۴۶۴۲).

از سوي ديگر، بسيارى از نيروهاى دولتي كه در پست‌هاى ادارى و مالي در مناطق مختلف مشغول به كار بودند و اختيارات وسيعى داشتند، گاهى خود يا حتى وارث‌شان از اختيارات موقعيت شغلى سوء استفاده مى‌كردند. براى نمونه در سال ۱۳۳۸ق/ ۱۹۱۹م وارثان ميرزا يحيى، سر رشته‌دار (حسابدار) املاك سوادكوه و شيرگاه، به تصرف و تعرض در املاك و خالصجات سوادكوه پرداختند و حتى براى اثبات مالكيت خود به جعل سند دست زدند (ساكما، سند شماره ۲۴۰/۴۰۱۹۲). حرص و طمع در تملك زمين به حدى بود كه برخى از متنفذين محلى حتى اقدام به غصب زمين‌هاى موقوفه كردند. تصرف روستاى موقوفه جعفر كلا در حوالى سارى توسط متنفذين محلى در سال ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۰م، كه سبب اعتراض روحانيون و سازمان موقوفات به فرماندارى و وزارت كشور گرديد، نمونه‌اى از اين موارد است (ساكما، سند شماره ۲۹۳/۱۸۸۹).

علاوه بر ساكنين مازندران، بسيارى از بزرگان ساكن در شهرهاى بزرگ، از جمله در تهران، نيز تلاش كردند تا زمين‌هاىي در مازندران به نام خود ثبت نمايند. در همين راستا افرادى همانند سيدخليل نظام‌العلماء و همدستانش در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م، با صدور فرامين جعلى براى

لفور، صنم و داركاشت را به زور تصرف کرده و از فيروزكوه تا هزار جريب را زير سلطه خود درآورده بودند (ترکمان، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

همچنين بسيارى از مقامات لشكرى و صاحب‌منصبان ادارى مازندران نيز در طى سال‌هاى مختلف بر املاك خود افزودند. در صدر اين سران نظامى كه به عمده مالكان مازندران تبديل شدند، بايستي از محمدولى خان نصرالسلطنه تنكابنى (قدرت محلى محال ثلاث، تنكابن، كلارستاق، كجور در غرب مازندران)، محمدخان اميرمكرم لاريجاني (قدرت محلى لاريجان و آمل در بخش مركزي مازندران) و لطفعلى خان سردار جليل كلبادى (قدرت محلى شرق مازندران) نام برد (كاظم‌بيگى، ۱۳۸۹: ۱۶۸). مقامات لشكرى با استفاده از جايگاه و قدرت نظامى خود و ضعف دولت مركزي، به قدرت‌هاى محلى تبديل شدند و با خريد اراضى خالصه و تصرف عدوانى، زمين‌هاى خود را افزايش دادند. براى نمونه در ۸ ربيع‌الاول ۱۳۳۳ق/ ۲۴ ژانويه ۱۹۱۵م دو قريه سرمحلّه و اوزينه كه جزء قراء خالصه استرآباد محسوب مى‌شدند، توسط حمزه استرآبادى و براى زراعت و كشاورزى در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م خريدارى شد. اما اين دو روستا در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۰۵م توسط گماشتگان سپهدار اعظم تصرف شد و مالك حتى با واسطه كردن حجت‌الاسلام حاجى شيخ محمدحسن مجتهد، نماينده استرآباد، نيز نتوانست ملك غصب شده خود را پس گيرد (نورى و سرايلو، ۱۳۹۰: ۳۶۵-۳۶۶). برخى از سران نظامى حتى با استفاده از موقعيت نظامى خود، به اراضى ساير نظاميان تجاوز مى‌كردند؛ چنان‌كه در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۶م

املاک مازندران، مدعی بسیاری از املاک و اراضی در مازندران شدند (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

از دیگر قشرهایی که به سرمایه‌گذاری در زمین روی آوردند، تاجران بودند. علت اصلی روی آوردن این گروه، علاوه بر سودآوری صادرات محصولات پولی، ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های تولیدی و صنعتی بود. در واقع تسلط تدریجی کالا و سرمایه خارجی بر بازار و اقتصاد ایران و واگذاری امتیازات گوناگون به دول امپریالیستی و سرمایه‌داران خارجی، موجب شد که از رشد سرمایه تجاری، ارتقاء آن به سطح سرمایه صنعتی در ایران جلوگیری به عمل آید (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۱). تاجران بومی نیز با استفاده از موقعیت اقتصادی خود و با تکیه بر حمایت متنفذین محلی به تصرف عدوانی زمین‌های دیگران پرداختند. به طوری که تصرف زمین‌های میرزامعصوم پسر میرزا محمدعلی مرحوم در سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م توسط آقا محمدعلی تاجر، سبب شکایت مالکان به وزارت عدلیه مازندران گردید (ساکما، سند شماره ۲۹۸/۵۰۶۳۴).

گرایش به تملک زمین برای زراعت محصولات پولی نیز به اتباع بیگانه کشیده شد و بسیاری از شهروندان خارجی شروع به دست‌اندازی بر املاک شمال ایران نمودند. آنان با همکاری شعبه بانک استقراضی در شهرهای شمالی و ادعای اینکه مأمور بانک هستند به تصرف اراضی خالصه پرداختند، برای نمونه تیول‌سوار افغان در ناحیه اشرف با وساطت کنسولگری روس در بندرگز در سال ۱۳۳۴ق/

۱۹۱۵م به تصرف یکی از اتباع گرجی روس درآمد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

ب) اجاره اراضی

در کنار افرادی که به تصرف عدوانی زمین‌ها مشغول بودند، عده‌ای نیز به اجاره اراضی و زراعت در آن پرداختند. برای نمونه، برخی از تاجران غیربومی و تجارت‌خانه‌ها همانند تجارت‌خانه تومانیانس اقدام به اجاره اراضی و منابع آبی و زراعت در مازندران کردند (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۲۸۶)، تا بدین‌گونه به‌طور مستقیم در کشت محصولات و صادرات آنها نقش داشته باشند. روند اجاره اراضی اگرچه با ظاهری قانونی، برای مالکان منفعت در برداشت، اما برای مالک زمین این‌گونه نبود، زیرا با ایجاد هرگونه هرج و مرج و آشفتگی در منطقه، بسیاری از اجاره‌کنندگان از پرداخت اجاره‌بها امتناع می‌کردند و مالک را متضرر می‌ساختند.

اجاره اراضی حاصلخیز در میان اتباع روسی نیز رواج یافت و اجاره زمین توسط آنان در اسناد متعددی بازتاب یافته است. برای نمونه در سال ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۱م عده‌ای از اتباع روسی در روستاهای میانکاله مازندران به اجاره اراضی زراعی و سکونت و زراعت پرداختند (ساکما، سند شماره ۲۹۰/۲۳۷۱). در سال ۱۳۰۲ش/ ۱۹۲۳م نیز با اجاره اراضی در مناطق مختلف از اداره فلاح و تجارت و فوائد عام به کشت پنبه اقدام نمودند (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۷۲۵). اجاره زمین به صورت فردی و گروهی صورت می‌پذیرفت، برای نمونه فردی به نام پولکونیک بیالونویچ، قره بلاغ

واقع در استرآباد را براى زراعت اجاره كرد و يا اعضاى كمپانى فلاحت روسيه در گوميش تپه سكونت گزیدند و به زراعت شلتوك و پنبه مشغول شدند (نصيرى مقدم، ۱۳۷۴: ۱۷۴).

گاه نيز اتفاق مى افتاد كه مالكان بومى منطقه، براى حفظ زمين هاى خود از تصرف عدوانى و مصادره آنها، به عنوان وثيقه بانك استقراضى روس به اتباع روسى اجاره مى دادند. براى نمونه شعبه بارفروش بانك استقراضى براى جلوگيرى از غارت املاك مفتخرالممالك، يكي از بزرگ مالكان مازندران، به وسيله نيروى دولتى موسوم به اردوى برق، در سال ۱۳۲۹ق / ۱۹۱۰م املاك او را به اجاره درآورد. همچنين بسيارى اهالى محلى مازندران حتى براى استفاده از مزايای تحت الحمايه بودن روسيه، كشاورزان روسى را در مزارع خود استخدام مى كردند، براى نمونه لطفعلی خان كلبادى، بزرگ مالك شرق مازندران، در سال ۱۳۲۸ق / ۱۹۰۹م تعدادى كشاورز روسى را در زمين هاى خود اسكان داد (كاظم بيگى، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷). با گذشت زمان استخدام و حضور كشاورزان روسى براى مالكان در دسرهابى ايجاد كرد. در حقيقت اجاره اراضى به روس ها از يك سو موجب شد تا آنان به واسطه دلگرمى به كنسولگري و سفارت خود گاه از پرداخت اجاره بهاى اراضى خوددارى و اينگونه مالكان را از نظر مالى متضرر نمايند. از سوى ديگر نيز، قراردادهاى اجاره اى درازمدت سبب گرديد تا اتباع روسى مسأله ادعاى مالكيت زمين را مطرح و در نتيجه زمين ها را از مالكيت مالكان خارج و به تملك خود درآورند (ساكما، سند شماره ۳۶۰/۶۱۰).

بدین ترتیب با خریداری زمین و تصرف عدوانی و اجاره اراضی توسط طبقات غیرزمین دار، مالکان بزرگی که در بیست سال آخر قرن نوزدهم در ایران ظاهر شدند، ترکیبی بودند از تجار و دولتیان زمین دار، که هر دو به بازارهای جهانی استعماری وابستگی داشتند (رواسانى، ۱۳۹۰: ۱۱۱). در پی این تحول، مالكيت خصوصى بنياد مالكيت زمين شد و مالكان خصوصى مناسبات اربابى را گسترش دادند و در نتيجه مناسبات حاكم بر عمده مالكى، پس از تجارى شدن كشاورزى، در ساخت نظام ارباب - رعيتى تداوم يافت (حسن زاده، ۱۳۹۱: ۳۷). البته بايستى به اين نکته اشاره شود كه گسترش مالكيت خصوصى علل مختلفى داشت و فقط به دليل تجارى شدن كشاورزى و ارزش يافتن زمين در اين دوره نبود. به عبارتى ديگر، به جز فقدان امنيت مالى و ترس از سرمايه گذارى در ساير بخش ها، به ويژه صنعت، مهم ترين علت رشد مالكيت خصوصى، خريد اراضى خالصه و غصب زمين هاى ديوانى (تيول) بود (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). دولت مركزى براى پاسخ گويى به بحران مالى خود و به دليل ويرانى و درآمد اندك زمين هاى خالصه، به نوعى «سياست تعديل ساختارى بدوى» رو كرد و براى اولين بار عده اى با پرداخت وجوهى و با خريد زمين به صورت مالك درآمدند و از آن زمين ها، بهره مالكانه گرفتند. با فروش اراضى خالصه كه از دوره ناصرى آغاز شده بود، مالكيت بسيارى از روستاهاى خالصه، شخصى شد و بدین ترتیب تعداد قابل توجهی از اراضی خالصه به مالكيت تيول داران سابق درآمد. پس از مشروطيت ۱۳۲۴ق / ۱۹۰۶م، خصوصى سازى مالكيت زمين رشد بيشتري يافت (كاظم بيگى، ۱۳۸۹:

کشاورزان به کشت محصولاتی مانند برنج، پنبه، ابریشم و دیگر محصولات پرداختند و در نتیجه بهاء و ارزش زمین در این منطقه فزونی یافت و سبب شد تا علاوه بر مالکان و اهالی بومی مازندران، قشرهای مختلف جامعه از ثروتمندان، متنفذین محلی، سران نظامی، مقامات کشوری، تاجران و حتی اتباع خارجی نیز به سرمایه‌گذاری در زمین اقدام نمایند. بسیاری از آنان با خریداری اراضی زراعی، به طبقه ملاًک مازندران پیوستند و این‌گونه مالکیت خصوصی و به دنبال آن مناسبات اربابی گسترش یافت.

نیاز به اراضی بیشتر برای کسب سود، موجب شد تا بسیاری از اشخاص که از پایگاه و قدرت اجتماعی و نظامی برخوردار بودند به بهانه‌های مختلف اقدام به تجاوز و تصرف عدوانی زمین‌های اهالی بومی نمایند. حتی عده‌ای مانند تاجران با اجاره اراضی زراعی و سپس استنکاف از پرداخت اجاره زمین ضمن متضرر ساختن مالک در بلندمدت به تملک اراضی پرداخته و این‌گونه مالکیت خصوصی را گسترش دادند. در این میان خریداری و اجاره اراضی زراعی در میان اتباع خارجی و به ویژه روس‌ها نیز رواج یافت و آنان از حمایت سفارت روس و بانک استقراضی برخوردار بودند. این مسئله ضمن اینکه به اتباع روس در مقابل اهالی مازندران و حتی دولت ایران قدرت عمل بیشتری می‌داد، موجب گشت تا بسیاری از مالکان بومی به منظور جلوگیری از ضبط و تصرف اراضی خود، زمین‌های خود را به روس‌ها اجاره دهند و به منظور بهره از امتیاز اتباع روسی، کشاورزان خارجی را در زمین خود اسکان دهند. این مسئله و قراردادهای بلندمدت با روس‌ها موجب شد تا بسیاری از زمین‌ها از تملک

(۱۶۸). بخش بزرگی از خریداران این املاک، از طبقه بورژوازی تجاری بودند که در مقابل پرداخت پول به شاه و دولت، به خرید اراضی دولتی و تبدیل آن به املاک اربابی اقدام کردند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۷۱). بعد از مشروطه برای نخستین بار قوانین مدوئی در دفاع از مالکیت خصوصی تدوین شد (سیف، ۱۳۸۰: ۱۷۷). عامل دیگر لغو تیول‌داری توسط مجلس اول بود که سبب شد تمام اراضی تیولی عملاً به مالکیت متصرفان آن اراضی درآید (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). با لغو تیول‌داری، جای تیول‌داران را مالکین بزرگ جدید گرفتند و این‌گونه املاک اربابی توسعه یافت. در نتیجه خوانین ایلات، روحانیان، فرماندهان قشون، همچنان املاک خود را حفظ و دولت نیز زمین‌های خالصه را تحت کنترل خود داشت (خسروی، ۱۳۵۸: ۲۳-۲۴) و تسلط آنان چه به صورت ملکی و چه به صورت وقفی، خالصه و اختصاصی باقی ماند (تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، ۱۳۵۷: ۱۸).

نتیجه‌گیری

با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران، اقتصاد ایران به تحولات نظام جهانی و نیاز بازارهای غرب وابسته گردید. در این راستا کشاورزی ایران دستخوش تغییر شد و اراضی زراعی در پی رشد تجاری شدن کشاورزی و صدور محصولات پولی به اراضی تجاری تبدیل شدند. مازندران یکی از ایالت‌های حاصلخیز ایران که از شرایط اقلیمی و مناسبی برای کشاورزی برخوردار بود از این امر مستثنی نبود. با تجاری شدن کشاورزی در مازندران، بسیاری از

افراد محلى خارج شود و اين گونه بسيارى از كشاورزان بى زمين و تبديل به دهقان مزدبگير شوند.

منابع

آزاد ارمكى، تقى (۱۳۸۰). *اندیشه نوسازى در ايران*. تهران: دانشگاه تهران.

ازكيا، مصطفى (۱۳۷۰). *جامعه شناسى توسعه و توسعه نيافتگى روستايى ايران*. تهران: اطلاعات.

اشرف، احمد (۱۳۵۲). *مشخصات اقتصادى و اجتماعى نظام هاى بهره دارى كشاورزى در ايران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مركز آموزش و پژوهش در برنامه ريزى منطقه اى.

بديع تيريزى، شمس الدين (۱۳۶۰). *مناسبات ارضى در ايران معاصر*. ترجمه غلامحسين متين. تهران: اخگر.

تحليلى از شرايط جامعه روستايى در ايران. مؤلف ناشناس. بى جا: بى نا. ۱۳۵۷.

تركمان، محمد (۱۳۷۸). *اسناد اميرمؤيد سوادكوهى، از سال ۱۲۶۳ شمسى تا كودتاى انگليسى سوم اسفند ۱۲۹۹*. تهران: نشر نى.

جمالزاده، محمدعلى (۱۳۸۴). *گنج شايگان: تاريخ اقتصادى ايران*. تهران: سخن.

حسنزاده، فرزانه (۱۳۹۱). «تحول نظام حقوق مالكيت زمين در ايران (از دوره مشروطه تا سقوط پهلوى اول)». به راهنمايى حسن زنديه. پايان نامه كارشناسى ارشد گروه تاريخ ايران اسلامى. دانشگاه تهران.

خسروى، خسرو (۱۳۵۸). *جامعه شناسى روستايى ايران*. تهران: دانشگاه تهران.

رايينو، لوئى (۱۳۴۱). *سفرنامه مازندران و استرآباد*. ترجمه غلامعلى وحيد مازندراني. تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.

رواسانى، شاپور (۱۳۹۰). *دولت و حكومت در ايران در دوره تسلط استعمار سرمايه دارى: (شيوه توليد مستعمراتى - طبقه پيوسته به استعمار سرمايه دارى)*.

تهران: اميركبير.

سيف، احمد (۱۳۸۰). *استبداد، مالكيت و انباشت سرمايه در ايران*. تهران: رسانش.

سو، الوين (۱۳۸۰). *تغييرات اجتماعى و توسعه*. ترجمه محمود حبيبي مظاهرى. تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردى.

طاهرى، ابوالقاسم (۱۳۴۷). *جغرافياى تاريخى گيلان، مازندران، آذربايجان از نظر جهانگردان*. تهران: شوراي مركزى جشن شاهنشاهى ايران.

عباسى، ابراهيم (۱۳۸۳). *دولت پهلوى و توسعه اقتصادى*. تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامى.

عبدالله ياف (۱۳۶۱). «روستايان ايران در اواخر قاجار».
در: مجموعه مقالات مسائل ارضى و دهقانى. ترجمه ماريانا كاظمزاده. تهران: آگاه.

عيسوى، چارلز (۱۳۶۲). *تاريخ اقتصادى ايران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)*. ترجمه يعقوب آژند. تهران: گستره.

فشاهى، محمدرضا (۱۳۶۰). *تكوين سرمايه دارى در ايران*. تهران: گوتنبرگ.

فريزر، جيمز (۱۳۶۴). *سفرنامه فريزر*. ترجمه منوچهر اميرى. تهران: توس.

فوران، جان (۱۳۸۹). *مقاومت شكنده: تاريخ تحولات اجتماعى ايران از سال ۱۵۰۰ ميلادى*. ترجمه احمد تدين. تهران: خدمات فرهنگى رسا.

فورتادو، سلسو؛ گوندرفرانك؛ آندره (۱۳۶۶). *توسعه و توسعه نيافتگى*. ترجمه حائرى و ديگران. تهران: پيشبرد.

كاظم بيگى، محمدعلى (۱۳۷۷). *موانع توسعه اقتصادى در ايران عصر قاجار: پژوهشى در توليد شكر در مازندران*. مجله علوم انسانى دانشگاه الزهرا. سال هشتم. شماره ۲۶ و ۲۷ (تابستان). ۱۸۵-۲۱۹.

كاظم بيگى، محمدعلى (۱۳۸۹). «اصلاحات مالى مجلس اول و اجراى آن در مازندران». مجله تاريخ اسلام و

- ایران. سال ۲۰. دوره جدید. شماره ۶. پیاپی ۸۵ (تابستان). ۱۶۳-۲۰۲.
- کولاگینا، لودمیلا (۱۳۵۹). *استیلای امپریالیسم بر ایران و تبدیل این کشور به نیمه مستعمره*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: علم.
- مکنزی، فرانسیس چارلز (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. ترجمه منصور اتحادیه. تهران: گستره.
- ملگونف، گریگوری والرینف (۱۳۶۴). *سفرنامه ملگونف*. ترجمه مسعود گلزاری. تهران: دادجو.
- نصیری مقدم، محمدنادر (۱۳۷۴). *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نوری، مصطفی؛ سرایلو، اشرف (۱۳۹۰). *اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نوشیروانی، س. و (۱۳۶۱). «سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران». در: مجموعه مقالات مسائلی ارضی و دهقانی. تهران: آگاه.
- وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰). *موانع تاریخی توسعه نیافتگی ایران*. تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری*. ترجمه حسن شمس‌آوری. تهران: نشر مرکز.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). *روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱*. ترجمه هوشنگ امیری. تهران: کتاب‌سرا.

Robert A. McDaniel, (1971) "Economic Change and Economic Resiliency in 19th Century Persia", *Iranian Studies*, Vol. 4, No. 1, p.37.

اسناد آرشیوی

- ساکما. سند شماره ۲۹۶/۲۲۸۱۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۹۳/۲۴۹۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۹۸/۸۴۶۴۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۴۰/۴۰۱۹۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۹۳/۱۸۸۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۹۸/۵۰۶۳۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۴۰/۲۸۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۹۰/۲۳۷۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۲۴۰/۴۷۲۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ساکما. سند شماره ۳۶۰/۶۱۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

مجلات و احصائیه‌های تجاری

- فلاح و تجارت*، سال دوم، شماره ۹، ۱۲۹۸: ۳۲۷.
- احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ ش تا ۱۲۹۶ ش.